

دعای ۳۴ - اعتراف به گناه و درخواست توبه

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسَالِكَ خِلَالِ^۱ ثَلَاثٍ، وَ
تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ^۲ وَاحِدَةٌ

خداوندا، سه چیز مرا از درخواست از توب باز می‌دارد و یک چیز مرا
به سویت می‌کشاند:

يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ،

آن سه چیز که مانع من می‌شوند: فرمانی است که دادی و من
در اجرای آن سستی کردم؛

وَنَهَيْ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ،

و کاری که از آن نهی فرمودی و من در انجامش شتابان گام
برداشتم؛

و نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا.

و نعمتی که بر من ارزانی داشتی و من در شکرگزاری‌اش کوتاهی
کردم.

وَيَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُلِكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَ
بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَوَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ،

اما آن یک چیز که مرا به سوی تو می‌کشد، همان فضل
توست بر بنده‌ای که با تمام وجود به تورو آورده و با گمانی
خوش، به آستان تو پناه آورده است.

إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفْضُلٌ، وَإِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ،
زیرا نیکی و احسانت سراسر تفضّل است و همه نعمت‌های تو،
آغازی بی سابقه و موهبتی جدید است.

فَهَا أَنَا ذَا، يَا إِلَهِي، وَقِفْ بِبَابِ عِزِّكَ وَقُوفَ
الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيلِ،

پس اینک من، ای محبوبم، بر آستان پُرشکوهت همچون بنده‌ای
فرمانبردار و فروتن ایستاده‌ام،

وَسَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي سُؤَالَ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ
و با وجود شرمساری‌ام از تو، همچون فردی درمانده و عیالمند از
تو درخواست می‌کنم.

مُقَرَّرُكَ بَأَنِّي لَمْ أُسْتَسْلِمْ وَقْتُ إِحْسَانِكَ إِلَّا
بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِصْيَانِكَ،

و معترفم که در هنگام احسان تو جز خودداری از معصیت
طاعتی نکرده‌ام،

وَلَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ امْتِنَانِكَ.

و هیچ گاه از نعمت بی بهره نبوده‌ام،

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا

اَكْتَسَبْتُ؟

محبوب من! آیا اکنون این اقرار به بدی اعمالم نزد تو، سودی
برایم دارد؟

وَهَلْ يُنْجِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ؟

و آیا اعتراف من به زشتی اعمالم، مرا از عذاب تو نجات می‌دهد؟

أَمْ أُوجِبَتْ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطُكَ؟ أَمْ لَزِمَنِي

فِي وَقْتِ دُعَائِي^۳ مَقْتُكَ؟

یا آنکه در این احوالی که دارم خشمت را بر من واجب کرده‌ای،
یا در همین لحظه دعا، عذاب شدیدت شامل حالم گشته است؟

سُبْحَانَكَ، لَا أَيَّاسُ مِنْكَ وَقَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ

إِلَيْكَ،

پاک و منزهی تو! هرگز از تو ناامید نمی‌شوم، زیرا تو در توبه را به
رویم گشوده‌ای.

بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ
الْمُسْتَخَفِّ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ.

بلکه همچون بنده‌ای خوار، که به خویشتن ستم کرده و
حرمت پروردگارش را سبک شمرده، سخن بر زبان می‌آورم.

الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ، وَأَدْبَرَتْ أَيَّامُهُ فَوَلَّتْ
بنده‌ای که گناهانش بزرگ و فراوان شده و روزهای عمرش
سپری گشته و روبه پایان نهاده است

حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ وَغَايَةَ الْعُمُرِ
قَدْ انْتَهَتْ،

تا جایی که وقتی دید دوران کار [و فرصت جبران] سپری شده و
مهلت عمر به پایان رسیده،

وَأَيُّقِنَ أَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْكَ،
و یقین کرد که هیچ گریز و پناهی از [عذاب] تو ندارد،

تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ،

با تضرع و توبه روبه سوی تو کرد و توبه‌اش را برای تو خالص
گردانید؛

فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ
خَفِيِّ.

و با قلبی پاک و بی غل و غش در برابر تو ایستاد و آنگاه تورا با آوایی
لرزان و آهسته صدا زد.

قَدْ تَطَاطَأَ لَكَ فَانْحَنِي، وَنَكَّسَ رَأْسَهُ فَانْثَنِي،
در برابر عظمتت سرفروود آورد و خم گشت، و سرش را به زیر
افکند و فروتنی کرد

قَدْ أُرْعَشَتْ خَشْيَتُهُ رِجْلَيْهِ، وَغَرَقَتْ دُمُوعُهُ خَدَّيْهِ،
يَدْعُوكَ:

بیم از مقام تو، براندامش لرزه افکنده و اشک، گونه هایش را
غرق کرده است؛ چنین تورا می خواند:

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اِتَّابَهُ الْمُسْتَزْحِمُونَ،
ای بخشنده ترین بخشاینده گان، ای مهربان ترین کسی که
جویندگان رحمت به او روی آورده اند،

وَيَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ،
ای عطوف تر از هر کسی که آمرزش خواهان به آستانش پناه
می برند،

وَيَا مَنْ عَفْوُهُ أَكْثَرُ مِنْ نَقْمَتِهِ، وَيَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ.

ای آن که عفو و گذشت تو از کیفر و عقابت فزون تر و خشنودیات از خشم و فراوان تر است.

وَيَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ،
ای آن که با گذشت نیکو و کرم خویش، حمد و ثنای بندگان را برانگیختی.

وَيَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَيَا مَنْ اسْتَصْلَحَ
فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ

ای آن که بندگان را به پذیرش توبه عادت داده ای، و ای آن که اصلاح تباهی شان را با توبه اراده کرده ای

وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْيَسِيرِ، وَمَنْ كَفَّاهُ
قَلِيلَهُمُ بِالْكَثِيرِ،

ای آن که به کار اندکشان راضی می شوی، و در برابر عمل کوچکشان پاداش فراوان می دهی،

وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ، وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ
عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضِيلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ.

ای آن که اجابت دعا را برایشان ضمانت کرده ای، و ای آن که از روی فضل خود به آن ها وعده پاداش نیکو داده ای.

مَا أَنَا بِأَعْصَىٰ مَنْ عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ،

من از کسی که تو را نافرمانی کرده و تو او را بخشیدی، نافرمان‌تر
نیستم؛

وَمَا أَنَا بِالْوَمِ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ،

و از کسی که از تو پوزش خواسته و تو او را پذیرفتی، سزاوارتر
به سرزنش نیستم.

وَمَا أَنَا بِأَظْلَمَ مَنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ.

و من از کسی که به سوی تو توبه کرده و توبه‌اش را پذیرفته‌ای،
ستمکارتر نیستم.

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَىٰ مَا فَرَطَ
مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصِ الْحَيَاءِ مِمَّا
وَقَعَ فِيهِ.

در همین جایگاه خود، با پشیمانی از کوتاهی‌های گذشته؛ و با
نگرانی نسبت به عواقب گناهان انباشته، و با شرمی خالصانه
نسبت به آنچه در آن فرو افتاده‌ام، به سوی تو بازمی‌گردم

عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظُمُكَ،

(این در حالی است که) می‌دانم که آمرزش گناه بزرگ، تو
را به زحمت نمی‌اندازد

وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَصْعِبُكَ،

و گذشت از خطای عظیم، برای تو دشوار نیست

وَأَنَّ احْتِمَالَ الْجَنَائِيَّاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُّكَ،

و تحمل جنایات زشت، تو را به زحمت نمی اندازد؛

وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ،

و می دانم که محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که سرکشی و تکبر نسبت به تو را ترک کرده،

وَجَانَبَ الْإِصْرَارِ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ.

و اصرار بر گناه را رها نموده، و مشغول استغفار و آمرزش خواهی شده است.

وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أُسْتَكْبِرَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ،

و من از گردنکشی و تکبر نسبت به تو بیزارم، و از پافشاری بر گناه به تو پناه می برم،

وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَرْتُ فِيهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

و برای کوتاهی هایی که کرده ام از تو آمرزش می طلبم، و در آنچه ناتوان مانده ام از تو یاری می جویم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ،
خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و آن حقوق واجبی که
از تو بر گردن دارم را بر من ببخش،

وَعَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، وَأَجِرْنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ
الْإِسَاءَةِ،

و مرا از عذابی که استحقاق آن را دارم معاف دار، و مرا از آن عقوبتی
که بدکاران از آن می ترسند، امان ده.

فَإِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْعَفْوِ، مَرْجُوٌّ لِلْمَغْفِرَةِ، مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ،
زیرا که تو سرشار از گذشت، و مایه امید به آمرزش، و مشهور به
گذشت کردن هستی.

لَيْسَ لِحَاجَتِي مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِدُنْيِي غَاوِرٌ غَيْرُكَ،
حَاشَاكَ

هیچ کس جز تو حاجتم را برآورده نمی کند، و گناه من را آمرزنده
ای جز تو نمی بخشاید. نه! هرگز

وَلَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى
وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ،

و بیم من بر خود تنها از جانبِ توست زیرا که تنها تو سزاوار پرهیز
و ترسیدنی، و تنها تو شایسته آمرزش و بخشایشی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ حَاجَتِي،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و حاجتم را برآور،

وَأَنْجِجْ طَلِبَتِي، وَاعْفِرْ ذَنْبِي، وَأَمِنْ خَوْفِ نَفْسِي،

و درخواستم را به انجام رسان، و گناهم را بیامرز، و ترس وجودم را ایمن ساز.

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ،

أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

که تو قطعاً بر هر چیزی توانایی، و این (کارها) برای تو آسان است.
اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

۱. خَلَّةٌ، أي: حاجة وخصاصة.

۲. خِلَّةٌ

۳. دُعَايَ

۴. نِقْمَتِهِ

۵. يَا مَنْ كَأَنِّي